اجتماع استوکهولم یا انجمن بزرگ بین الملل اجتماعیون در پایتخت سوئد

از اوایل بهار امسال و مخصوصا در ماه آوریل 1917(ماه رجب 1335)اقداماتی‏ برای انعقاد یک انجمن بین الملل اجتماعیّون شروع شد.محرّک این فکر از یک‏ طرف انقلاب روسیّه و تأثیر آن در ممالک دیگر و از طرف دیگر خستگی دنیا از جنگ و خرابی حال ممالک بیطرف از طول آن بود.پیشروان اجتماعیّون‏ دانمارک و سوئد بپتر سبورگ رفتند و برگشتند و پس از گفتگوهائی که میان اجتماعیّون‏ ممالک اسکاندینا و هولاند شد بالأخره هیئتی ازنمایندگان این ممالک تشکیل شد که در استوکهولم پایتخت سوئد مرکزی بنا کردند و رسما دعوت‏نامه‏ها باجتماعیّون همهء ممالک فرستادند که منتخبین همهء فرقه‏های اجتماعیّون دنیا در دهم ماه مه 1917 (17 رجب 1335)در استوکهولم گرد آیند و انجمن بین الملل اجتماعیّون که هرچند سالی در یک نقطهء دینا منعقد میشد و از ابتدای جنگ فرنگستان دیگر انعقاد نیافته‏ بود بار دیگر منعقد شود.و مخصوصا این مرتبه بیشتر یک کار عمدهء مطمح نظر منعقدکنندگان انجمن بود و آن عبارت بود از سعی در صلح عمومی و تعطیل‏ جنگ دنیائی.

ممالک بیطرف و بعضی از ممالک جنگاور پیشنهاد را قبول کرده و نمایندگان‏ خود را باستوکهولم فرستادند.لکن تاریخ موعود برای انجام این عمل پر زود بود و غیر ممکن بود که بشوداجتماعیّون همهء ممالک و بخصوص آنهایئکه در جنگ هستند بسرعت‏ مذاکرات خودشانرا راجع باین مطلب تمام کرده و باستوکهولم برسند.پس ناچار موعد انعقاد انجمن را به 15 ماه ژوئن 1917(24 شعبان 1335)تأخیر کردند.

در موقعی که امید میرفت که در سر موعد نمایندگان همهء ممالک بیایند دولت فرانسه‏ مانع از عزیمت نمایندگان اجتماعیّون فرانسه شده و دولت انگلیس آنچه ممکن بود اشکال تراشی کرد تا موعد مزبور سر آمده و انجمن منعقد نشد لکن هیئت هولاند و اسکاندینا و امید خود را از دست نداد.و چون نمایندگان اجتماعیّون ممالک آلمان و اطریش و مجارستان و بلغار از یکطرف باستوکهولم رفتند و از طرف دیگر اجتماعیّون‏ روسی دنبال مطلب را گرفته و مصمّم شدند که باید انجمن بین الملل ننعقد شود بنابراین‏ خیال انعقاد انجمن از میان نرفت بلکه قوّت گرفت و عاقبت همهء ممالک باشتراک در آن‏ راضی شده و میشوند.و امید قوی برآنست که در ماه اوت 1917(ذی القعده‏ 1335)بالأخره انجمن انعقاد یابد.

انگلیس و فرانسه بیشتر از همه از انعقاد انجمن میرمیدند و با تمام قوی در مقام‏ منع آن بر آمدند.انگلیسها برای منع حرکت نمایندگان اقلیّت اجتماعیّون خود که بر ضدّ مسلک دولت و طالب صلح‏اند هزاران شعبده‏ها یرانگیختند.لکن دولت آلمان‏ مانع از عزیمت نمایندگان دستهء اقلیّت اجتماعیّون خود باستوکهولم نشد و نمایندگان‏ اکثریّت و اقلیّت در آنجا حاضر شدند و مذاکره کردند.

مقصود از دسته‏های اقلیّت و اکثریّت آنست که بعد از ظهور جنگ در میان‏ اجتماعیّون هر مملکت جنگاور اختلاف پیدا شد بعضی طرفدار حکومت و برخی دیگر بر ضدّ حکومت و جنگ شدند و بدین جهت بین ایشان انقسام حاصل شد.مثلا در آلمان و انگلیس دستهء اقلیّت آنهائی هستند که با دولت موافق نیستند.

کاوه » شماره 22 (صفحه 2)

چون انعقاد انجمن بین الملل در موقع خود یعنی 15 ژوئن(24 شعبان)سر نگرفت‏ لهذا هیئتهای نمایندگان ممالک مختلفه که باستوکهولم رسیدند جداجدا با هیئت مرکزی‏ هولاند و اسکاندینا و مذاکره کرده و نظریّات خودشان را در کار بآنها گفتند و مبادلهء افکار نموده بممالک خویش یرگشتند.

بعد در اواخر ماه ژوئن(اوایل رمضان)انجمن عمله و سرباز روسی مصمّم شد که یک انجمن بین الملل اجتماعیّون در استوکهولم دعوت کنند برای اواسط ماه ژولیه‏ (اواخر رمضان).ولی این فقره در آن موعد سر نگرفت و شاید در اواخر ماه اوت‏ (اواسط ذی القعه)انجام بگیرد.

چون در انجمن بین الملل اجتماعیّون بمناسبت جنگ دنیائی مسئلهء صلح عمومی‏ مستمرّ و بالتّبع همهء مسائل غامضهء سیاسی دنیا پیش باید بیاید و مسائل متعلّقه بهر یک‏ از ملل عامل بحث شود لهذا وطن‏پرستان ایرانی نیز تصوّر نمودند که بهتر است مسئلهء ایران را نیز در آنجا مطرح بحث کنند و در مقابل انظار ملل عالم بگذارند.پس‏ آقایان تقی‏زاده و وحید الملک را که دو نفر از پیشروان وکلای ملّت ایران بودند برگزیدند که باستوکهولم رفته و با پیشوایان اجتماعیّون که نمایندگان بزرگترین قوّت‏ دنیا و شاید حاکم آیندهء عالم هستند مذاکره نمایند.

اگرچه در مجمع بین الملل اجتماعیّون برای ملیّون و صاحبان عقاید دیگر غیر اجتماعی‏ مجال اشتراک رسمی نیست لکن چون مذاکرهء اصول ملّیت بمیان میآید و بشکایات‏ و دعاوی هر ملّت باید دقّت و رسیدگی شود تا قراری برای صلح ثابت در عالم داده‏ شود چنان بنظر می‏آمد که حرف ملل بیگناه و مظلوم نیز در آن محفل عظیم راه تواند یافت.و بقول خود نمایندگان ایرانی در استوکهولم اگر نمایندگان اجتماعیّون ملل‏ مختلف در آن محکمهء بزرگ انسانیّت سمّت قضاة و منصفین را داشته باشند نمایندگان‏ ملیّتهای مظلوم نیز در مقام شهود میتوانند قبول شده و ادای شهادت نمایند.

خلاصه دو وکیل مرقوم در استوکهولم بیان‏نامهء خطاب بانجمن بین الملل اجتماعیّون‏ بزبان فرانسه و آلمانی و انگلیسی نشر کرده بانجمن دادند و در مطبوعات منتشر ساختند. علاوه بر این قریب دو سه ماه لاینقطع بجدّ و جهد و نشر حقّانیّت ایران و مظلومیّت‏ آن و دادخواهی کوشیده در اغلب جراید سوئد مقالات نشر کرده و شرح ملاقاتها درج نمودند.و ما ذیلا ترجمهء بیاننامهء معهود را درج میکنیم.امید که فعالیّت نمایندگان‏ ایرانی بی‏اثر نماند.

وکلای مزبور با هیئت مرکزی هولاند و اسکاندیناو ملاقاتهای مکرّر کرده و مخصوصا یک جلسهء آن مخصوص استماع بیانات وکلای ایران بوده است.همچنین با رجال بزرگ و مهّم دولت و پیشروان ملّت و محرّرین سوئد و نظامیان آنجا ملاقاتها کرده و مقاصد ایران را بقدر قوّه ترویج کرده‏اند.نمایندگان هیئت عمله و سرباز روسی را نیز ملاقات کرده و در همراهی با مقاصد ایران و آزادی تامّ آن از ایشان قول‏ گرفته‏اند.شاید در شماره بعد تتّمهء اقدامات وکلای ایران را باز ثبت نمائیم.مخصوصا در جراید فرنگستان بهمین مناسبت خیلی از ایران بحث شده و اکثر جراید آلمان‏ خلاصهء بیاننامهء وکلای ایران را با شرحی از خودشان نشر کرده‏اند.

3دادخواهی ملّت ایران‏ از انجمن بین المللی اجتماعیّون‏ منعقد در استوکهولم در تابستان سال 1335

آقایان

سالهاست که عدّهء از دول فرنگستان بعزم اجرای مقاصد عناصر سرملیه‏دار و جهانگشایان ممالک خود بنای استیلا و الحاق و تصرّف ممالک‏ دیگری را که در چهار قطعهء دیگر دنیا واقع است گذاشتند.و از آنجائی که‏ از آغاز امر سر آن داشتند در راه استعباد مطلق سیاسی و اقتصادی‏ ملل بی‏پناه مذکور جز هوی و هوس و خواهشهای نفسانی خود مراعات‏ هیچگونه اصولی ننمایند یک رشته اصول و قواعد جابرانهء برای سهولت‏ اجرای مقصود ناحقّ خود ایجاد کردند که سر تا پا اجحاف و استبداد بود. و از اینرو آن طبقاتی که بملاحظهء بصدا آمدن ملل خود در فرنگستان‏ جبرا دستشان از رشتهء استبداد کوتاه شده بود ولی هنوز یادگار ایّام‏ سطوت و لذّت روزگار عظمت و جبروتشان در زیر دندان بود نظر خود را بجانب ملل دور دستی انداختند که میدانستند صدای استغاثهء آنها بگوش کسی نخواهد رسید و اندک جنبش آنان را در راه احقاق حقّ‏ خود میتوان بیاغی‏گری تأویل نمود.خلاصه آنکه بنا بتربیت فوق متمدّنین‏ فرنگستان عبودیّت و شکنجه‏ها و زجرهائی را که یادگار قرون وسطی بود از غرب بشرق منتقل نمودند.

آقایان،در میان این ممالکی که طرف حرص و طمع طبقات مذکوره‏ ولقع گردیده ایران یکی از آنهاست که بیشتر از همه زهر جفای آنانرا چشیده و باز سنگین خدعه و نیرنگ آنها را کشیده است.بطوری که ما را یقین قطعی حاصل است که اگر حقیقت اوضاع و گذارشهای این مملکت‏ زجر دیده بتفصیل در مقابل نظر ملل اروپا گذاشته شود اکثریّت عظیمهء این ملل و تمام دوستداران عدالت و انصاف و هواداران آزادی و حقانیّت‏ بر حال آن مملکت ترحّم خواهند آورد و بلا شکّ حسیّات عالم بشریّت‏ متأثّر و متألّم گردیده و در صدد احقاق حقّ بر خواهد آمد.

ملت ایران یکی از قدیمیترین ملل عالم و یگانه نمونهء ملل متمدّنهء مشرق‏ است که تا بحال باز مانده است و از زمانهای بسیار قدیم دارای یک‏ نژاد خالص و یک تمدّن بدیع و یک حیثیّت و تربیت شخصی بوده و هست. همواره در هر عصری مشاهیر و اساتید علمی و ادبی و سیاسی و صنعتی‏ بوجود آورده است و مقام بسیار عالی در تاریخ حاصل نموده است و کمک‏ بزرگی بپیشرفت و ترقّیات انسانیّت نموده و هنوز هم در این راه دارای‏ قابلیّت لازمه هست بشرطی که او را از نعمت آزادی و استقلال که موجد هرگونه والائی و بالائی است محروم ندارند.

تمام نویسندگان اروپائی و سیاحینی که در این مملکت مسافرت نموده‏اند متّفقا هوش فطری و استعداد و ذوق خلاّقیت ملّت ایران را شناخته و از آن تعریف و تمجیدهای بسیار نموده‏اند.بعلاوه این ملّت در تمام شرق‏ سرمشق مهمان‏نوازی و خوش سلوکی و عدم افراط تعصّب مذهبی‏ بالنّسبه بغیر مسلمانان است و نزاکت طبیعی را که نتیجهء تربیت چندین قرن‏ است با ادب و لطف اخلاق و آزادگی سرشته دارد.ملّت ایران که در آب و خاک اجدادی خود از زمانهای قدیمی کورش و زردشت تا زمان‏ حاضر دارای یک ملّیت صاف و خالص و متجانس انکار ناپذیری بوده‏ امروز آلت قهر و تعدّی مللی گردیده که با او هیچ رابطهء تاریخی ندارند و صدها فرسنگ از او دور و از حیث نژاد و ملّیت و مذهب و زبان بکلّی با او متباین هستند.اگرچه در این قرون اخیره ملّت ایران قدری در ترقّی مادّی و معنوی دوچار توقّف شده بود ولی در این ده سال آخر یک‏ انقلاب بزرگی در آن مملکت بعمل آمد .